

انتخابات در روز انقلاب اسلامی

استاد سید در الله برون پناه

بسم الله الرحمن الرحيم

ایام انتخابات هست و تجربه چهل و اندی ساله‌ای است که جمهوری اسلامی در بستر انتخابات پیدا کرده است و الحمدلله این بسیار فرخنده و میمون هست. چون این ایام انتخابات هست ما یک بحث مختصری خواهیم کرد، گرچه تفصیل آن را نمی‌شود در این فرصت کوتاه مطرح کنیم چون تقریباً تفصیل آن خود مخل است الان در این شرایط. وقت آن که شده باشد ان شاءالله باید به صورت تفصیلی بحث‌ها را مطرح کرد و این اندیشه را که انتخابات در تراز انقلاب اسلامی و انتخابات در تراز تمدن اسلامی چگونه خواهد شد، بحث‌هایی دارد؛ هم به لحاظ فقهی، هم به لحاظ بحث‌های سیاسی، هم به لحاظ پایه‌های فلسفه سیاسی ما و نوع نگاه دینی، عقلانی و معنوی ما به این مسئله. خودش یک بحث‌های مفصلی دارد لذا اگر اینک به اختصار برگزار می‌کنیم به دلیل شرایط خاصی است که باید به سرعت مطالب اصلی را گوش زد کنیم.

نکات مقدماتی

شورای نگهبان و جایگاه قانونی آن

اولین چیزی که من قبل از ورود در این بحث باید مطرح کنم مسأله شورای نگهبان و جایگاه قانونی اوست. انصافاً یک جایگاه قانونی خاصی دارد و تنها راهی که ما می‌توانیم این فضای انتخابات را در سلامت خود نگاه بداریم از طریق همین جایگاه قانونی شورای نگهبان هست و باید خیلی این جایگاه را حمایت بکنیم، این جایگاه را همراهی بکنیم در عین اینکه می‌شود برخی از مسائل را برای ارتقا این جایگاه داشت به لحاظ قانونی، که آن در جای خود باید بحث بشود. الان ما در فعلیت کنونی دارم عرض می‌کنم اگر جایگاه قانونی شورای نگهبان مورد خدشه واقع بشود در حقیقت ما ریشه انتخابات را کنده‌ایم. بعضی‌ها گمان می‌کنند با این کار ما می‌توانیم انتخابات درستی داشته باشیم، ولی ریشه انتخابات را می‌کنیم، چون اگر حجیت او را زیر سوال ببریم و بعد به لحاظ قانونی جایگزینی هم نداریم و از نظر قانونی هم از این مجرا باید بگذرد و اگر حجیت آن را از بین بردید، بعداً دیگر مراحل انتخابات هم معنادار نمی‌شود و شما هم آن عقلانیتی که در کار باید ببینید را رها کردید یعنی اگر احیاناً مشکلاتی است که باید حل بشود به لحاظ قانونی خب این به اعضا شورای نگهبان بر نمی‌گردد باید به لحاظ قانونی آن را حل بکنید. اما اگر به لحاظ آن شیوه‌های عملی که باید امروزه بشود اگر شما جلوی این را بگیرید - و بعضی‌ها را من می‌بینم می‌خواهند با فشارهایی که می‌آورند و چانه‌زنی‌هایی که می‌کنند این فشارها باعث بشود که شورای نگهبان زیر سوال برود - خب زیر سوال بردید بسیار خوب، نتیجه انتخابات را زیر سوال ببرید خب چه جایگزینی دارید شما؟ شما این کار را بکنید

مثلا، و فرض کنید که به نتیجه برسید که الحمدلله اینجوری نیست، الحمدلله که اصلا در این موقعیت نیستیم ولی شما این کار را بکنید نتیجه‌اش چه می‌شود؟ نتیجه آن این است که اصلا انتخابات را نمی‌توانید دیگر هیچ سامانی بدهید؛ شما اگر بگویید مثلا شورای نگهبان را من قبول ندارم و اگر من را تاکید نکرد من آن را قبول نمی‌کنم، خب فرض بر این مسأله باشد این معنایش این است که عقلانیت را از بین بردید، عقلانیت در رفتار را، شما باید خیلی مواظب باشید؛ حالا بعضی‌ها دانسته یا نادانسته کاری به آن ندارم و من اصلا قرار نیست در آن زمینه صحبت بکنم ولی می‌خواهم بگویم نفس این اندیشه که حجیت کار را وقتی از او گرفتید محصول و نتیجه کار را هم از بین ببرید، اصلا انتخابات زیر سوال رفته است و این کار کار درستی نیست. بله شما اگر می‌خواهید چانه‌زنی داشته باشید چانه‌زنی را ببرید در روند قانونی‌اش که قوانینی بگویید بر اساس آن قوانین است نه اینکه قانونی که هست بگویید شورای نگهبان بر اساس این قانون عمل نکند، شورای نگهبان باید بر اساس این قانون عمل بکند و این را نمی‌توانید انکار بکنید. و من معتقد هستم کسی که این کار را انجام می‌دهد دارد قاعده کار را به هم می‌زند، قاعده بازی انتخابات را به هم می‌زند، قاعده انتخابات را به هم می‌زند، یعنی نمی‌گوید من انتخابات را نگه می‌دارم اما شورای نگهبان را گذاشتم کنار، نه، شما حجیت آن را از بین بردید و این مخصوص این قانون نیست. هر قانونی برای خود ضوابطی دارد، باید وقتی که یک ضابطی را برای انتخابات معین کردید بگویید مثلا رئیس جمهور باید حداقل‌هایی که داشته باشد این ۴ شرط است مثلا، تا گفتید ۴ شرط خب چه کسی باید تشخیص بدهید؟ شما باید یک مرجع قانونی قرار بدهید.

شورای نگهبان، یکی از بهترین تدابیر در قانون اساسی

اتفاقا من به گمان خودم یکی از بهترین تدبیرهایی که در قانون اساسی ما شده است به دست یک عده از انسان‌هایی دادند که خودشان از نظر تقوایی از نظر مقام علمی، از نظر تجربه عملی بسیار پاک و بی‌هوا هستند و به تجربه هم دیدیم شورای نگهبان ما اصلا این جوری نیست که بخواهد بر اساس امیال دیگران عمل بکند. بر اساس آن ضوابط و قوانینی که دست او هست عمل می‌کند. و یکی از چیزهایی که برای ما خوشایند این است که تا این ایامی که ما بودیم هر فشاری هم که آوردند گاه فشارهای شدیدی هم به شورای نگهبان آوردند شورای نگهبان از خود هم وزانت اخلاقی و هم وزانت دینی نشان داد و هم وزانت قانونی، و نیامد حتی افشا بکند که مثلا چه گذشت و چه شد. هم این وزانت را به خرج داد و هم وزانت قانونی خود را - که باید طبق قانون عمل بکند- انجام داد. خیلی به نظر من آنچه که در کارنامه شورای نگهبان هست بسیار درخشان است از این جهت و می‌بینیم آنچه که در کارنامه شورای نگهبان هست بسیار

درخشان است از این جهت و می بینیم انسان های باتقوایی هم هستند و برای ما شیرین تر آن این است که حتی اگر می بینید برخی ها در خود شورای نگهبان دفاع سنگینی می کنند نگاه نمی کنند که حتی یک عضوی از اعضای شورای نگهبان دارد دفاع سنگینی از کسی می کند، نگاه می کند که آیا آنچه که ایشان می گوید با مَر قانون سازگار است یا نه و این استقلال شورای نگهبان را می رساند و این خیلی برای من خوشایند است و بعدا هم شاید عرض بکنم یکی از چیزهایی که انقلاب اسلامی می تواند انتخابات خود را در تراز خود نگه بدارد همین شورای نگهبان است و ما باید اصلا این مجموعه را و این نهادی را که قانون اساسی برای ما تدبیر کرده است را جدی بگیریم و بلکه تقویت آن بکنیم حتی اگر احیانا خلا های قانونی است، خلا های قانونی را برطرف بکنیم، نه اینکه دست شورای نگهبان را ببندیم و بعد از آن توقع افزون داشته باشیم. شما در قانون بیاورید و بعد دست باز بشود. خود شورای نگهبان هم اعلام کرده است که ما خلا های قانونی داریم، باید آن ها را حل بکنید، این چیزی نیست که بخواهد مطرح بشود.

اخلال گری در کار شورای نگهبان ناشی از نبود عقلانیت سیاسی لازم

ولی چه کسانی که به نحوی خواستند بگویند کار شورای نگهبان درست نیست، چه آنهایی که می خواهند چانه زنی بکنند به نظر من عقلانیت لازم برای فضای سیاسی جامعه را به کار نبردند، اگر عقلانیت باشد اینجوری عمل نمی شود، می شود حتی اعتراض داشت، می شود اعتراض ها را در جای خود گفت، و روندی را برای آن طی کرد، خلا های قانونی را برطرف کرد ولی این راهش نیست که بعضی ها طی کردند. به ویژه اینکه می بینیم به راحتی میهمان های ناخوانده می آیند سر سفره، می بینیم، می دانیم، می دانیم که چنین کنیم چنین می شود، عقلانیت لازم اقتضا می کند که ما برخورد بهتری بکنیم. من معتقد هستم هر چه این شرایط می گذرد شورای نگهبان بهتر وزانت خودش را نشان می دهد. یعنی الان ما ندیدیم تب و تاب، برخورد تند اخلاقی، حتی این را ندیدیم! یعنی حتی برخی ها حمله کردند مطالبی گفتند، ایراد گرفتند، گفتند غیر قابل دفاع است، حتی همه اینها را گفتند، ما می بینیم شورای نگهبان خیلی [تاکید استاد] یعنی اعضای شورای نگهبان آمدند که توضیح بدهند یا سخنگو یا هر کدام از آقایان یک وزانت خاصی را حفظ کردند و در نوع بیان شان اصلا این جور نبوده است که یک التهبات سیاسی ایجاد بکنند یا یک هیجان سیاسی در کار خودشان باشد و این لازمه کار شورای نگهبان است که مر قانون را اجرا بکند، التهبات سیاسی و یا هیجان سیاسی ایجاد کردن در کار او نباشد و این من به نظرم نمره بسیار خوبی می گیرد در همین شرایطی که باز پیش آوردند و گاه برخی اش جفا است اصلا نسبت به شورای نگهبان، ولی شورای نگهبان جفا را به جفا جواب نداد و این وزانت شورای نگهبان است. الحمد لله خدا را شاکر هستیم

مجموعه ای که هستند تا کنون بودند، علمای بزرگوار با تقوای که بودند، قانون مداری که بودند در شورای نگهبان این نهاد را خوب حفظ کردند. خواستم این نکته اول را تذکر بدهم.

توجه به شرایط ویژه امروز انقلاب اسلامی

یک نکته دیگری را هم تذکر بدهم بعد بروم در مورد انتخابات در تراز انقلاب اسلامی. نکته دومی که ما باید به آن توجه بکنیم شرایط امروزی است، شرایط خاص امروزی است که در آن هستیم و باید به آن توجه کرد. همه کسانی که دغدغه انتخابات را دارند و دغدغه انتخاب اصلح را دارند، باید این شرایط را درک بکنند و می دانم می دانند ولی باید در حافظه نزدیک شان باشد، باید در تعامل آنها بیاید، من برای همین دارم متذکر می شوم. معتقد هستم خیلی از سرورانی که دغدغه انتخاب اصلح دارند اینها در حافظه شان هست فی الجمله ولی گاهی در حافظه نزدیک که باعث کنش بشود و بر اساس او اعمال را سامان بدهند [وجود ندارد]، من این را دارم عرض می کنم.

تیز شدن اندیشه گفتمان انقلاب اسلامی در عین ناکارآمدی دولتها و تاثیرگذاری بر مشارکت

اولا یک چیزی است که انتخابات ما که گاهی از او متاثر شده است، و آن ناکار آمد بودن برخی از دولت ها است و این ناکارآمدی تاثیری گذاشته است در حتی برخی به اصطلاح ناامیدی ها، که گاهی می گویند خب ما چرا در انتخابات شرکت بکنیم؟ حتی که گاهی این جور می شود. و این را باید درک کرد یعنی شرایطی که پدید آمده است، البته من نمی گویم یعنی در این شرایط باید توقف کرد من می خواهم در اصل، اول شرایط را بفهمیم. یعنی در واقع ما یک نوع ناکارآمدی دولت ها را می بینیم و تاثیرش را بر فضای کشور و یک ناامیدی که حتی روی مسئله مشارکت در انتخابات می تواند تاثیر بگذارد. و اتفاقا یک این ضایعه ای است و بعضی از دولت ها باید بر عهده بگیرند ناکارآمدی خودشان را و برعهده دیگران نگذارند. ولی در دل این ناکارآمدی یک نکته ای وجود دارد به نظر من، یک نور امید است در دل همین و آن را هم متذکر بشوم؛ یعنی گمان نکنیم اینها قرار است که فقط ناکارآمدی دولت ها باشد و ناامیدی ایجاد بکنند. خود همین مسئله باعث شد ما با یک چیزی روبه رو هستیم به عنوان تیز شدن اندیشه گفتمان انقلاب اسلامی. من معتقد هستم این ناکارآمدی دولت ها باعث شده است که ما خیلی از نیروهای مکتبی، نیروی انقلابی، نیروهای مومن، متدین، به حقیقت معتقد به انقلاب، که گاهی مطالباتی داشتند، اندیشه هایی داشتند ولی چندان به صورت یک جریان اجتماعی سنگین که همه جا مطالبه گر باشند و تیز تر برخورد کنند وجود

نداشت؛ این شرایط ناکارآمدی که پیش آمد ما یک تیز شدن گفتمان انقلاب اسلامی را در دل این داریم و این را من خیلی ارزشمند می دانم یعنی گرچه یکی دارد در مسیر غلط می رود، همان مسیر غلط عزم متدینان را قوی تر کرده است که بیایند بالاخره فکری بکنند و باید فکری کرد. آخر این که نباید باشد که هر دولتی بیاید به هر شکلی وعده بکند وعده خلاف هم بکند یا کاری انجام بدهد و هیچ کاری هم نشود و بلکه خراب هم بشود در بعضی از اوضاع مملکت، و بعد آخرش هم ما انقلاب باید ضربه ببیند، چرا؟! انقلاب باید بگوید چرا این کار را کردید با انقلاب ما؟ گفتمان انقلابی باید به این مرحله برسد، او باید مدعی باشد، نه آنها بگویند ببینید انقلاب شما چرا اینجوری شده است؟، نه اینکه آنها بگویند شما آمدید انقلاب کردید نمی دانم اندیشه انقلاب، جمهوری اسلامی، نه، ما مدعی هستیم که چرا این کار را کردید که گفتمان انقلاب ما مورد سوال واقع بشود؟ این باعث شده است گفتمان انقلاب آهسته آهسته خودش را به شکل یک جریان اجتماعی دریافت. و من این را به عنوان یک نور امید در دل این معنا می دانم که این را اتفاقا ما باید همیشه فروزان نگه بداریم، نه یعنی حالا با ناکارآمدی یک دولت که برطرف شد مثلا ما دیگر بایستیم، ان شاء الله بعدا عرض خواهم کرد. این یک نکته بود.

تدبیر برای حضور اجتماعی با رعایت شرایط ویژه کرونایی و عدم اکتفاء به فضای مجازی

یک نکته دیگر هم هست شرایط ویژه کرونایی که پدید آمده است و طبیعتا برای ما یک نوع محدودیت های مشارکت های اجتماعی حضوری جمعی را پدید آورده است که من این را کلا یک ضایعه ای می دانم، که آن برگ برنده ما، در صحنه های اجتماعی همین حضور اجتماعی بود از یک جهت. و این باعث شده است که گاهی ما این حضور جمعی اجتماعی مان را که گاه یک صدا بلند می شد از جمعیت و تاثیر گذار بود [از دست دادیم]، ما در جریان شهید قاسم سلیمانی و تشییع جنازه او چه دیدیم؟ یک حرکت خیلی معنادار دیدیم هم برای ما و هم برای دشمن، برای ما واضح است این معنا، خب اینها در یک پدیده ای است به عنوان حضور اجتماعی جمعی، گرچه الآن به دلیل شرایط کرونایی یک دسته ملاحظاتی هست ولی من توصیه ای که همین الآن اینجا دارم، تا هر جایی که به ما اجازه داده می شود حضور جمعی، با همین شرایط و مجاز دانسته می شود ما باید انجام بدهیم، یعنی نگوئیم خب حالا که این شد پس فقط برویم در فضای مجازی. یادمان باشد این حضور اجتماعی را بالاخره یک فکری به حال آن بکنیم، هم چنان که الآن می بینیم متدینان ما در باب مساجد و در باب مراکز مذهبی مهم کشور آهسته آهسته به این اندیشه رسیدند که ما باید این حضور جمعی خودمان را به نحوی داشته باشیم اما مناسب با فاصله های اجتماعی نه یعنی اینکه حذف آن بکنیم. این را هم در باب انتخابات به نظر من فکری به حال آن بکنیم به عنوان شرایط، ولی از یک

طرف یک نور امیدی هم همین جا پدید آمده است که در همین شرایط کرونایی ما یک تجربه همدلی داریم، یک حضور مومنانه مردم را داشتیم، که به نظر من این مغتنم است؛ یعنی ما یاد گرفتیم حتی در شرایطی این گونه سخت، حضور اجتماعی، یک حضور مومنانه را آموختیم، یک همدلی عمومی را آموختیم، یک نوع حضوری که حتی مشارکت می کردیم برای رفع این مشکل کرونا، و می بینید مذهبی های ما، بسیجی های ما همه ورود کردند در این مساله، که چه به لحاظ اقتصادی چه به لحاظ بهداشتی کمک بکنند برای اینکه شرایط را شرایط بهتری بکنند، این حضور مومنانه یک تجربه ما بود، من این را معتقد هستم گرچه شرایط کرونایی به عنوان یک ضایعه است، حتی در مشارکت اجتماعی هم می تواند تاثیر بگذارد ولی ما یاد بگیریم آن حضور مومنانه را. حضور مومنانه ای که نتیجه اش چه بشود؟ هر جا خواستیم حرکت اجتماعی بکنیم در این حضور مومنانه ای که ما داشتیم توانستیم آن حرکت اجتماعی خود را انجام بدهیم. این حرکت اجتماعی را ایجاد بکنیم و من خواستم به این شرایط هم به عنوان نکته دوم اشاره بکنم.

برجسته سازی فعالانه برخی واقعیت‌های عرصه انقلاب و دور زدن هوشمندانه برخی فریب‌های محافل ذهنیت ساز در فضای مجازی

نکته سومی که باز در این شرایط خاص امروزی باید توجه کرد، برخی از محافل توانای در ذهنیت سازی مردم هستند، ما می دانیم، در برجسته سازی مسائل هستند ولو به ناحق. این را عمدتاً هم از فضای مجازی و شبکه های اجتماعی دارند استفاده می کنند و توانایی هایی که دست آنها هست و محدودیت هایی که می توانند برای دیگران ایجاد بکنند و خودشان آنجا حاضر باشند به آن سبکی که می بینیم که گاهی خود این یک به نظر من یک فریب انتخاباتی است اگر کسی بخواهد توجه بکند، این یک فریب انتخاباتی است بعضی ها دارند کاری می کنند محدود است مثلاً الآن شما در اینستاگرام بخواهید اسم شهید قاسم سلیمانی را ببرید حذف می شوند، یعنی بلد هستند چه جوری حذف بکنند، و دارند این کار را می کنند، و حتی من می دانم به شکل هوشمند می توانند کاری بکنند در انتخابات که حاصل عزم عمومی که همه رفته است در فضای مجازی، خودش را نشان ندهد، حتی می توانند این کار را بکنند که این را من تعبیر می کنم به یک فریب انتخاباتی که اینها می توانند. و می توانند کاری بکنند اندک خود را بسیار نشان بدهند، این را می توانند از دست آنها بر می آید، و لذا من برای همین می گویم ما هم باید آن مشارکت عمومی مومنانه ای که یاد گرفتیم آن سبک را ادامه بدهیم، به گونه ای که حضور اجتماعی مان را کم نکند، فکری به حال حضور اجتماعی مان بکنیم یعنی با همین شرایط کرونایی با همان دستوراتی که داده شده است با فاصله های اجتماعی که باید رعایت بشود و همه هر چه که هست، ولی همان گونه که الآن ما در مساجد می توانیم

جمع بشویم ولی در عین حال رعایت همه مسائل را می‌کنیم، و می‌بینید الحمد لله بیش از همه، جمعیت‌هایی که در این یک سال و خورده‌ای تشکیل شده است در ایران، بیش از همه رعایت‌کننده اش همین مساجد بودند! ما دیدیم اینها را، واقعیت است نمی‌شود انکار کرد، جاهای دیگر من جمعیت دیدم اصلاً تا عکس آن را ببینی می‌فهمی که اینها اصلاً هیچ رعایت هیچ چیز را نمی‌کنند. بنده عرض می‌کنم این است که این شرایط را یاد شما باشد اولاً این را داشته باشیم. ثانیاً یک تجربه‌ای برای متدینان ما پیدا شده است که باز یک نور امید است، در فضای مجازی شیوه‌هایی را یاد گرفتند برای دور زدن، برای دور زدن این محدودیت‌هایی که برای مومنان پدید می‌آورند، برای گفتمان انقلاب پدید می‌آورند. این شیوه‌ها را یاد بگیریم در انتخابات آن را جدی‌تر بکنیم. حتی ما نرویم که دنبال این باشیم که در فضای مجازی [فقط کار انجام دهیم]. ببینید حتی به صورت تماس تلفنی یا تماس تک نفره دقت کنید چه عرض می‌کنم، تماس تک نفره یکی با دیگری برای مسئله انتخابات، برای اینکه اندیشه مشارکت عمومی را اجتماعی را زیاد بکنیم، برای اینکه بتوانیم از کاندیدای اصلح دفاع بکنیم، دقت کنید من چه عرض می‌کنم حتی این را یک فکری بکنید، حتی ما خودمان را محدود نکنیم در فضای مجازی، چون در فضای محدودیت‌های خاص خود را پدید می‌آورد، ولی من می‌گویم هم بتوانیم دور بزنی یاد بگیریم، هم بتوانیم برخی از تماس‌های دیگری را که ما بلد هستیم و می‌توانیم با آن تماس‌ها ارتباط برقرار بکنیم. ببینید گاهی یک پیامی که داده شده است در فضای مجازی باید صد مرحله پیش برود، ولی گاهی می‌بینید در ۲۰ مرحله آن را جمع می‌کنند، به شکل خاص هوشمندی که دارند. ولی ما چه کار بکنیم آن صد مرحله‌ای که می‌خواهیم برسانیم آن را یاد بگیریم، این شیوه‌ها را من معتقد هستم باید فکری کرد با شرایط امروزی که در مورد این مسائل هست. پس یکی از آنهایی که باید دقت کرد هم در مسئله برجسته‌سازی است، برجسته‌سازهایی که آنها می‌کنند را یاد بگیریم که چه جوری انجام می‌گیرد، گاهی چنان برجسته می‌کنند که ما فقط حالت انفعالی و دفاعی می‌گیریم، ما چرا بعضی از چیزها را برجسته نکنیم؟، برجسته هست واقعیت است، واقعاً برجسته است ولی ما واقعاً برجسته را نمی‌توانیم برجستگی‌اش را نشان بدهیم. شیوه آن را در فضای مجازی یاد بگیریم. شیوه‌اش هم یاد بگیریم، حتی به لحاظ حضوری فکری به حال آن بکنیم حتی به شکل غیر مجازی، ولی در عین حال حضوری هم نیست، ارتباط تلفنی حتی، حتی من معتقد هستم شبکه‌های تلفنی می‌شود پدید آورد، شبکه‌های تلفنی یعنی به حسب تلفن به هم گره بخوریم، به شکل خاصی روی این کار بکنیم. من الان این مثال را زدم، روی مثال تلفن نمی‌خواهیم بایستیم، می‌خواهیم یاد بگیریم چه چیزهایی تکثیر بکنیم، چه شیوه‌هایی را تکثیر بکنیم، تکثیری که احساس بکنیم از دست و چنبره این فضای مجازی که اینها پدید می‌آورند در برویم.

این شرایط را اگر ما درک نکنیم یعنی ناکار آمدی که دولت ها پدید آوردند، شرایط جدید کرونایی که پدید آوردند، و قدرت برجسته سازی که در فضای نرم دارند اینها را ما متوجه باشیم اینها را دقت کنیم ولی بنده معتقد هستم تک تک اینها یک نور امیدی هم در مقابل خود پدید آورده است برای ما، ما یاد گرفتیم. ما حساس شدیم، حتی روی سواد رسانه ای مردم فکری نکنیم، مردم واقعا می خواهند دنبال حق بگردند و بفهمند، بعضی از موقع ها ناامید است، خب می شود امید داد، می شود خیلی خوب کار کرد، روی این کار بکنیم. ببینید من می گویم مثلا ما در انتخابات ۵ تا مشکل داریم، آن ۵ تا مشکل را به سرعت حل آن بکنیم، الآن هم برای کار وقت زیاد داریم، کسی که بخواهد حزب اللهی ها و متدینین و انقلابیون و آنهایی که گفتمان انقلاب را می پذیرند بخواهیم همراه بکنیم خیلی خوب می توانیم کار بکنیم. پس این هم شد به عنوان نکته دوم یعنی اول شورای نگهبان، نکته دوم شرایط خاص امروزی را هم درک بکنیم.

نگاهی به انتخابات در تراز انقلاب اسلامی

حالا انتخابات در تراز انقلاب اسلامی را من به سرعت می گویم این واقعا احتیاج دارد به بحث مفصل ولی من اگر بخواهم الآن بیاستم مفصلات آن محل است، الآن وقت آن نیست که بایستیم، ولی یک وقتی باید فکری به حال آن کرد در مورد انتخابات در تراز انقلاب اسلامی، من به طور خیلی خلاصه عرض بکنم.

بسط فرهنگی اندیشه‌ها

اساسا هر اندیشه ای برای خودش ریشه هایی دارد، پایه هایی دارد، مبانی ای دارد. وقتی این اندیشه در صحنه اجتماع آمد لزوما اول آن معنایش این نیست که هر آنچه که در اندیشه خودش دارد در همه جا آورده و بسط داده است، خود را بروز داده است و آن نوع مقبول کار در آن زمینه را مثلا ارائه داده است، نه اینجوری نیست. اول ما می آییم با یک عادت هایی هم که داریم، عادت هایی که از مراحل پیشین داشتیم، ولی ما آهسته آهسته می آییم این اندیشه باعث می شود که می گوئیم خب اگر این اندیشه هست خب لازمه اش چنین چیزی است و بعد مجبور می شویم یک حرکت اجتماعی بکنیم و آن را هم آهسته آهسته جزء کار قرار بدهیم. این را ما می گوئیم: بسط فرهنگی یک اندیشه. یعنی اندیشه وقتی به شکل اجتماعی پذیرفته می شود لزوما اولش همه آن لوازم، اقتضائات و مطلوبات خود را نتیجه نمی گیرد، ولی آهسته آهسته آن نتایج را می گیرد، این خاصیت هر حرکت اجتماعی و اندیشگانی است، این جوری است کار. لذا آهسته آهسته فرهنگ خودش را مطابق خودش، بسط می دهد و ریشه و پایه اصلی ما- که همه قبول داریم که مثلا می گوئیم ریشه ما و اندیشه ما اندیشه انقلاب است- این اندیشه انقلاب آهسته آهسته خودش را باید بسط بدهد. و بر این اساس می رود در انتخابات خود را به یک شکل در می آورد؛ می رود در سینما یک جور خودش را نشان می دهد؛ می رود در بانک باید یک جور نشان بدهد، من اینها را می گوئیم بعضی از جاها خود شما هم احساس می کنید که هنوز نشده است، می خواهم فقط نشان بدهم که اینجوری است، یعنی اندیشه ای که کسی دارد مثلا اندیشه انقلاب که ما داریم این باید خودش را همه جا بسط بدهد، ما بعضی از جاها بسط خوبی دادیم، در بعضی از سیاست های خارجی که داشتیم و از طرف حضرت امام ره و رهبر معظم انقلاب مد ظله اعلام شده است ما می بینیم خیلی پیشرفت داریم و خیلی از چیزها برای ما واضح است، الآن ما حرکت منطقه ای را می فهمیم که یعنی چه، یعنی در قسمت خاورمیانه یا هر عنوان دیگری داده بشود ما در این منطقه می بینیم داریم به یک شکل دیگری داریم عمل می کنیم، اصلا ما در جهان داریم یک شکل دیگری عمل می کنیم، حتی ما در آمریکای لاتین داریم به شکل دیگری عمل می کنیم. خیلی از جاها ما داریم کارهای دیگر به شکل دیگر عمل می کنیم حتی ما در تعامل مان با اندونزی و دیگران

داریم یک شکل دیگری عمل می کنیم برای ما واضح است یعنی ما داریم بسط اندیشه خودمان را می دهیم. خودمان را معنا کردیم، خودمان را ساختیم در این زمینه ها، خاصیت یک اندیشه اینجوری است، در هر زمینه ای اینجوری است. بعضی از مسائل را نگاه کنید؛ بعد از انقلاب مثلا اعتکاف راه افتاد؛ مثلا اربعین راه افتاد، اینها بسط اندیشگانی در مسئله مناسکی است، یعنی بسط است دقت کنید چه جوری عرض می کنم با اینکه همین ظرفیت ها در خود اسلام بوده است، در شیعه بوده است ولی یواش یواش دارد الآن اینجا خودش یک بسط عمومی پیدا می کند، ما اینها را می فهمیم.

در انتخابات هم ما کش و قوس هایی داشتیم و این کش و قوس ها به نظر من خیلی ارزشمند است به دلیل اینکه راهی را می رویم بعد می بینیم که این راه جواب نمی دهد، مثلا ما راهی را در انتخابات رفتیم، یک دوگانه سازی های شدید همراه با بداخلاقی ها و تهمت ها شد، بعد دیدیم اینکه با روح انقلاب نمی سازد، اینکه انقلاب اینجوری نیست، گفتمان انقلاب اصلا این نیست، اندیشه دینی ما اصلا اینجوری بر نمی تابد، ما انتخابات می خواهیم، ما مردم سالاری می خواهیم اما مردم سالاری دینی. این را بنده عرض می کنم همین اندیشه که مردم سالاری دینی در برابر مردم سالاری غربی مطرح می شود این یک مغزی دارد و بعد کم کم باید خودش را بسط بدهد. ما یک بسط اولیه ای که دادیم اول آن همان شورای نگهبان بود که در قانون آمد و این خیلی عالی است، یعنی قرار است که دفاع بکند از اسلامیت نظام و جمهوریت نظام، قوانین را اجرا بکند، اسلامیت آن را هم حفظ بکند. دقت کنید این را، من یادم هست حضرت امام ره آنجا که مجلس شورای ملی بود با چه اصراری [گفتند] مجلس شورای اسلامی؛ یک عنوان خاصی را می خواست اضافه بکنند، جمهوری دموکراتیک ایشان گفت نه، جمهوری فقط، یعنی ببینید آن ایستادگی های اول آن را دیدید آن موقع. و این یعنی ما در انتخابات باید فکری بکنیم که آن فضای خودمان را، بنده معتقد هستم شورای نگهبان از این دسته است و آن اسلامیتی که ما در مجلس شورای اسلامی گذاشتیم از این دست است؛ آن مسئله ای که در بحث ریاست جمهوری بعضی از قیودی که داریم از این دست است، قیودی که می گذاریم و این قیود باید باشد و الا روح حرکت انقلاب اسلامی به هم می خورد و اصلا ما قرار است که انقلاب را نگه بداریم، قرار است که اندیشه اسلامی خودمان را نگه بداریم، قرار است آن فضای دموکراسی اسلامی مان را که تعبیر می کنیم مردم سالاری دینی را که حتی لفظ دموکراسی را هم دوست نداریم حتی بگوییم، می گوئیم مردم سالاری برای خود توضیحی دارد، باید تغییراتی داد حتی، روی آن تاکید می کنیم.

این تجربه را که داریم از اول در آن بعضی از چیزها را احساس می کنیم که برای ما مطلوب نیست. و الآن می خواهیم به چشم بیاورم نامطلوب ها و وقتی که این نامطلوب ها را می شنویم بعد می بینیم که در شرایط ما پدید آمد و اینکه چرا حتی پدید آمد هم من مطرح می کنم. و اینها باعث می شود که ما الآن کم کم یک

فکری دیگری باید بکنیم که به نظر من دارد به اینجاها می کشد و این [نشان از این] دارد که آهسته آهسته انتخابات را در تراز انقلاب اسلامی می خواهیم پیش ببریم.

گفتمان انقلاب اسلامی بر پایه سه گانه معنویت، عقلانیت و شرعیت

ببینید اندیشه و گفتمان انقلاب اسلامی خودش مبتنی بر یک معنویت یک عقلانیت و یک شرعیتی است که بسیار واضح است و یک تلائم ویژه ای دارد، بنده در بعضی از جاها اینها را توضیح هم دادم. این گفتمان انقلاب اسلامی ما است. این گفتمان انقلاب اسلامی برای خود مطلوبیت هایی دارد، مطالبه هایی دارد من مطالبه ها را بعدا می گویم.

ناسازگاری گفتمان انقلاب اسلامی با فریب و دوگانه سازی های غیرواقعی

چنین گفتمانی با فریب انتخاباتی یعنی در انتخابات کسی فریب انتخاباتی بدهد نمی سازد. ولو با دموکراسی غربی بسازد نمی دانم با انتخابات لیبرال دموکراسی غربی بسازد با هر نوع دموکراسی و مردم سالاری بسازد ولی با مردم سالاری دینی ما نمی سازد. فریب یعنی خلاف واقع، یعنی دروغ، و دروغ در آن نجاه نیست، خیر نیست و برکت نیست و ما می دانیم این واضح است برای ما. کسی که در او کار او فریب است، کسی که می آید دو گانه سازی های غیر واقعی میکند، من دوگانه سازی غیر واقعی را خیلی جدی می دانم و یکی از آسیب ها این انتخابات گذشته را نوعا در جاهای حساس اینجوری دیدم یک دوگانه سازی می کند که واقعیت ندارد. مثلا کسی بیاید بگوید آقا فلانی بیاید دیوار می کشد و ما دیوار نمی کشیم، خب اینکه واقعیت ندارد که، چرا اینجوری می شود؟ چرا به خودشان اجازه می دهند؟ قرار است صفر و صد بکنند، چون قرار است که در ابهام اندیشگانی نتیجه بگیرد. من ان شاء الله بعدا در مورد ابهام اندیشگانی هم باید توضیح بدهم حالا چقدر می توانم فرصت داریم بعدا در جای خودش باید بگویم. یا گاهی مثلا یک شکلی که آنها چه و ما چه، و این را من حتی از کسانی که احساس می کند در فضای اسلامی است به سرعت این دوگانه سازی های غیر واقعی را می کنند، این همیشه برای من سوال می شود و نشان می دهد روح فضای اسلامی را درک نکرده است، او با عادت دموکراسی غربی دارد نفس می کشد و حرف می زند ولی ما اینها را نمی خواهیم. ما به تجربه هم دیدیم که چه ضایعاتی را برای ما پدید آورده است، و بعد مردم هم آخر امر دیدند که نه، این که نشد، باز آنی هم که خودش گفته است که نشده است و این هم که نشده است، و قوانین را و بعضی از تعبیری که گاهی می کنند اصلا با خود قانون نمی سازد، قانون اساسی نمی سازد، خب اینکه نمی

شود که من از آن تعبیر می‌کنم به دوگانه سازی های غیر واقعی، دو گانه سازی غیر واقعی را من به نظر مردم باید حذف بکنیم، اصلا به آن میدان ندهیم. و بلکه چنان جریان سازی فرهنگی بکنیم که مردم تا این دو گانه سازی غیر واقعی را ببینند اصلا بگویند این به درد نمی‌خورد این را بگذار کنار، ذائقه ایجاد بکنیم برای مردم. من این را که می‌گویم برای الان نیست دیگر، این برای بحث های بعدی است من فقط اول طرح بحث آن را بکنم.

ابهام‌گویی جذاب، مخالف با روح اندیشه اسلامی

باز یک مسئله دیگری که گاهی می‌گوییم در این اندیشه (گفتمان انقلاب اسلامی) نه فریب انتخاباتی است نه دوگانه سازی غیر واقعی است، نه ابهام و ابهام‌جلب‌کننده مخاطب است؛ یعنی گاه کسی حرفی را می‌زند در ابهامی که برای آنها جذاب باشد. حرف صریح نمی‌زند، چون بزند شاید جذابیت نداشته باشد. این خلاف جوان‌مردی است که ما در اندیشه دینی مان داریم. یعنی درست است گاهی مسئله ای است نباید اصلا گفته بشود اشکال ندارد، ولی تو می‌گویی، با ابهام‌برگزاری می‌کنی با ابهام‌برگزار می‌کنی، که مخاطب چیزی بفهمد ولی تو بعدا بتوانی راه‌فرا داشته باشی. بنده این را به عنوان خلاف فتوت و جوانمردی می‌دانم که روح اندیشه اسلامی است، چنین چیزی نمی‌شود اینجوری باشد. بلکه اگر هنر داری بگو دقیقا من چه می‌گویم، و چه مبنایی دارم، و روی آن دارم می‌گویم. این خیلی ارزشمند است که ما متأسفانه این گفتمان فلسفه سیاسی مان را در بحث های انتخاباتی گسترش ندادیم به این شکل، همه اش به شکل دعوای گذشت. اگر اینها را گسترش بدهیم پایه های اندیشگانی پیش می‌آید برای رفتاری که باید پیدا بشود.

ایجاد جاذبه های غیر اخلاقی و رذیلت محور

باز مسئله دیگر، ایجاد جاذبه های غیر اخلاقی و رذیلت محور که خیلی گاهی برای من سخت و ناگوار است، جوری بکنید که باعث بشود طرف بر اساس این به شما رای بدهد، که من تعبیر می‌کنم جاذبه های غیر اخلاقی یعنی خودش هم می‌داند که غیر اخلاقی است، ولی برای بعضی ها می‌تواند جاذبه داشته باشد. بعضی هم اینجوری می‌گویند: اگر من ۱۰ درصد مردم که این را دارند به دست بیاورم برای من کافی است، و حتی گسل های قومیتی که بعضی ها استفاده می‌کنند من از این جاذبه های به اصطلاح غیر اخلاقی می‌دانم. گسل ها قرار نیست توحید ایران را بردارد، وحدت جامعه ایرانی را بردارد ولی اینها می‌خواهند این کار

را بکنند تا نتیجه خودش را بگیرند، با اینکه دود آن به چشم خود او هم که یک دولت تشکیل می دهد می رود ولی با این حال حاضر است، چرا؟ برای اینکه خود او به حکومت برسد. که ما همه اینها را غیر اخلاقی می دانیم که حالا من عرض می کنم.

برخوردهای غیراخلاقی در مناظره‌ها

و گاهی هم برخورد های غیر اخلاقی در نفس مناظره ها که اینها هم گاهی هست، که کلا در مناظره ها یا غیر مناظره ها برخورد غیر اخلاقی، اینها اصلا با انتخابات دینی سازگار نیست. اینها سازگار نیست یعنی هر کسی هم که این کار را کرد برنده هم شد بازنده است. هم پیش خدا بازنده است و هم ابد خود از دست داد هم جان خودش را از بین برده است خودش را از بین برده است خود کشی معنوی کرده است و این کار هم کرده است، مردم را هم در فضایی انداخته است که الگو شده است برای شان آنها را در این فضا انداخته است. که یکی از ضایعه هایی که من اخیرا می بینم بد اخلاقی ها و توهین ها و تحقیر هایی است که گاهی رئیس یک دولت، رئیس یک مجموعه می کند و این سر ریز می کند در جامعه، یعنی جامعه را هم درگیر می کند و جامعه هم این عادت و این منش را پیدا می کند و سطح تعاملات انتخاباتی و مناظرات انتخاباتی را به سطح غیر اخلاقی اش می کشاند که خیلی به نظر من ضایعه است.

بیان واقعیات به نحو شفاف در گفتمان انقلاب اسلامی

خب اینها را گفتم، در انتخابات در تراز انقلاب اسلامی اینها نیست، ولی در کنارش، این اندیشه آن جایی که به اصطلاح بیان واقعیات می کند، بیان که می خواهد بکند واقعیات و شفاف کردن واقعیات جدی است، باید کار بکنیم یعنی نایستیم، مثلا می بینی فساد وجود دارد بگو، بایست، بجنگ ولی واقعیت را بگو، نه اینکه غیرواقعی بگویی و بعد نتیجه بگیری را قبول ندارم، ولی واقعیت را گفتن و درد را یافتن زمینه اصلاح است؛ در انتخابات اینها را بیاور، هیچ اشکال ندارد.

خط و مرزگذاری واقعی

یا به اصطلاح ما آن دوگانه سازی را رد کردیم اما خط و مرز گذاشتن واقعی را من خیلی قبول دارم، یعنی الان یکی از چیزهای که اتفاقا مطالبه بنده است از تمام کاندیدها و طرف دار کاندیدها، [اینست که] گفتمان

انقلاب اسلامی در برابر گفتمان غیر انقلاب اسلامی خودش را نشان می دهد، آنی که گفتمان انقلاب اسلامی قبول دارد و آنی که قبول ندارد. واقعا این دو گفتمان با هم دعوا نکنند اصلا بگویند، اتفاقا اگر گفتمان انقلاب اسلامی را خوب به چشم بیاورید، همه مشتاق آن می شوند، ولی ما بلد نیستیم به چشم بیاوریم، لذا من عرض می کنم مرز گذاری واقعی را من خیلی می پسندم. واقعا چیزی را می بینید آقا ایشان روحیه او با انقلاب نمی سازد، ببینید اشرافی گری با انقلاب می سازد؟ نمی سازد، من یادم هست حضرت امام از آن اول طرحهایی و تبیین هایی داشت در مورد اشرافی گری که اشرافی گری اصلا با روح انقلاب ما نمی سازد، اشرافی گری را اگر کسی دارد اضافه می کند، با روح انقلاب نمی سازد و لذا بنده به عنوان گفتمان انقلاب اسلامی می گویم آقا، اشرافی گری را نمی پسندم، توهین نمی کنم، ولی اشرافی گری یک واقعیت است، اشرافی گری این است که وقتی از هواپیما پیاده بشوی بگویی آقا برای من باید اول فرس بیندازید، فرس قرمز بیندازد من بیایم و الا معنا ندارد، باید ابهت و جلال من حفظ بشود، خب این یعنی اشرافی گری دیگر. کجای روش امیر المومنین، کجای روش حضرت امام، کجای روش رهبری این بود؟ چه کسی گفته است که جلال و شکوه را باید از فضایی پیدا کرد، جلال و شکوه را باید در دل ها پیدا کرد، سردار سلیمانی جلال و شکوهی که پیدا کرد از دل این روش اشرافی گری به دست آورد؟ ولی بعضی ها این کار را می کنند. می خواستم این را بگویم: ما گفتمان انقلاب اسلامی را تیز بگوییم، و مرز بگذاریم و واقعا هم بگوییم، به چشم هم بیاوریم. حالا من به همین مقدار اکتفا می کنم، فرصت چون ندارم می خواهم زودتر تمام بکنم.

ظرفیت انتخابات برای ایجاد حساسیتهای واقعی در مورد انقلاب و مردم

یک مسئله دیگر، ما باید ایجاد حساسیت بکنیم، حساسیت های واقعی مربوط به انقلاب و مردم، مربوط به نظام، این حساسیت ها را پدید بیاوریم، آن هم در چه؟ در همین انتخابات، اصلا انتخابات موقعی است که باید حساسیت ها به چشم بیاید، حساسیت های انقلاب؛ و لذا حساسیت های واقعی را من می گویم بیاورید، ولی حساسیت ها غیر واقعی را بعضی ها می آورند به نظرم جفا می کنند، خودشان هم متوجه هستند فقط می خواهند راه را گم نکنند که دیدید رهبر معظم انقلاب مد ظله گفته است چه حساسیت هایی مهم است، و باید روی آنها تاکید بکنیم، بعضی از اینها اصلا مشکل مردم نیست، چرا روی آنها تاکید می کنید؟ چه کار دارید می کنید؟

جدی تر کردن مطالبه گری های گفتمان انقلاب در زمان انتخابات

یک مسئله دیگری که باز من به نظر من باید در این اندیشه هست که ما این را باید کمی در انتخابات جدی تر بکنیم. انتخابات موقعی است که باید مطالبه گری های گفتمان انقلاب اسلامی را جدی بکنیم. این را نگذاریم بماند، الآن شروع بکنیم ولی این گفتمان را ادامه بدهیم، که من حالا بعدا عرض می کنم. من به همین مقدار اکتفا می کنم چون فرصت نیست و الا در بحث انتخابات در تراز انقلاب اسلامی خیلی چیزها باید گفت و بحث کرد، من همین مقدار اکتفا می کنم، فرصت هم نیست و می دانم تفصیل آن هم الآن مخل است و لذا نمی گویم.

وظایف نمایندگان گفتمان انقلاب اسلامی و طرفداران آن‌ها در زمان حاضر

اما بر اساس همین اندیشه ای که عرض کردم باید در تراز انقلاب اسلامی باشد من وظیفه امروزی کاندیدهای مدافع گفتمان انقلاب اسلامی و طرفداران آنها را می خواهم مطرح بکنم. به تعبیر دیگر این بحثی که می کنم عینیت بخشیدن به انتخابات تراز انقلاب اسلامی است در همین دورانی که واقع هستیم. یعنی به تعبیری خب شما معیارهایی می دهید، بسیار خوب، الآن در امروزه ی بحث که در انتخابات هستیم شما که می گوئید در تراز انقلاب اسلامی باید باشد و باید با این آموزه ها و با این معیارها باشد الآن امروزه باید چه کار بکنیم؟ لذا من به سرعت یعنی انتخابات در تراز انقلاب اسلامی در این دوارن را به سرعت دارم به صورت وظیفه مطرح می کنم و می خواهم روی آن بایستم و یک کمی چند مسئله را تاکید بکنم.

شکل گیری و تیز شدن جریان و گفتمان انقلاب اسلامی با هدایت‌های رهبر انقلاب

بینید یک چیزی شکل گرفت در این چند سال اخیر که من از آن تعبیر می کنم به یک جریان انقلاب اسلامی و جریان اندیشه انقلاب اسلامی که واقعا به صورت یک جریان اجتماعی در آمد. این هم البته دلایلی دارد، من معتقد هستم رهبر معظم انقلاب گفتمان را آهسته آهسته قوی کرد، تیز کرد، و به چشم آورد، مثل آن آتش به اختیاری که مطرح کردند و بعد توضیحات دیگری که دارند و این گام دومی که رهبر معظم انقلاب مد ظله نگاشتند و از این دست مسائل و خط دادن مثلا به برخی از دانشجو ها در فضای عدالت محوری و انواع این کارها که من از آن تعبیر می کنم به اینکه خود رهبر انقلاب یک تنه گاهی بعضی از جریان سازی‌های اجتماعی را کرده است. خود یک رسانه بزرگ شده است رهبر معظم انقلاب در گفتمان سازی. الآن ما عملا با این گفتمان روبه رو هستیم، حتی دوستانی که در حوزه هستند می دانند الآن گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه تیز شده است، حتما برای شما محسوس است و می دانید چرا رهبر معظم انقلاب

چند بار تاکید کردند، چند بار گفتند مسئله و مشکلی وجود دارد اینها و همان مشکل تبدیل شده است به همینی که الان می بینیم و الان خیلی ها دارند می آیند به صحنه، چون احساس می کنند باید از انقلاب حمایت جدی بشود و رهبری هم این گفتمان را تیز کرده است و واقعا هم خوش، تیز کرده است و خوب هنرمندانه، نه خلاف واقع؛ واقعا آن مطلوبیت هایی که در گفتمان انقلاب اسلامی است. من مطلوبیت های گفتمان انقلابی را اول بگویم و بعد وظیفه های آن را به سرعت بگویم.

برخی از مطلوبیتها و عناصر موجود در گفتمان انقلاب اسلامی

ببینید در گفتمان انقلاب اسلامی عناصر بسیاری هست، من یکی یکی که می گویم فکر می کنم که ذهن ها همه آشنا است یعنی احتیاج به توضیح نیست و الا باید در جای خود توضیح داد. مثلا عدالت خواهی، فساد ستیزی، استکبار ستیزی، استقلال، مردمی بودن، امید به آینده، عزم بر وفاق عمومی، تاکید بر عزت و کرامت مردم، حمایت محرومان و مستضعفان، فضیلت محوری و بسط فضیلت، خداجویی و بسط معنویت، بسط همدلی؛ اصلا انقلاب یعنی این، و همه این ها را که می بینید تیز و تند است، در همه اش یک مطالبه وجود دارد، تیز و تند نه به معنای افراطی که بعضی ها می گویند، نه من معتقد هستم مطالبه دارد، مطالبه واقعی اجتماعی دارد، همان سبکی که امیر المومنین علیه السلام وقتی آمد از اول گفت من این گونه هستم، اگر کسی از راه فساد به جایی رسید، در قباله زن او هم برود من در می آورم. این تعبیر امیرالمومنین را دیده اید دیگر؛ و کلا من معنای کار من این نیست که بخواهم حکومت بکنم، این امانت در دست من است، این طعمه نیست در دست من. ببینید این ادبیاتی که امیر المومنین دارند، این اندیشه انقلاب اسلامی ما است و این خیلی معنادار است، یعنی نوع کار اگر امانت است من وظیفه دارم و طبق وظیفه عمل می کنم، طعمه نیست که من بخواهم برای خودم چیزهایی را جمع بکنم و برای همین منافع خودم هر جور با هر کسی بسازم، اینها اصلا مطرح نیست. خادم مردم بودن در این اندیشه خوابیده است. رهبر معظم انقلاب اصلا در مورد مسئولین چه تعبیر می کنند؟ خادم مردم، ولی نعمت، مردم هستند، این تعبیری که حضرت امام هم داشت، واضح است که دارم چه عرض می کنم؟ عرض من این است، این ها را وقتی که ما نگاه می کنیم این اندیشه های انقلابی در اینها است و همه اش مطالبات به حق است، و همه مشکلاتی که ما الان داریم [ناشی از دوری از] اینها است، هر جایی گفتمان انقلاب اسلامی غالب بود، مردم همراه هستند، بلکه مردم خوشحال هستند، بلکه اصلا مردم حامی شدید این اندیشه شدند و هر جا این گفتمان انقلاب اسلامی نبود مردم با ما نبودند. این را به تجربه دیدیم، یعنی همه اینها که عرض می کنم در خود گفتمان انقلاب اسلامی

خوابیده است. همه چیزهای ناب، همه چیزهای به اصطلاح مطابق با حاکمیت عقلانیِ درستِ اسلامی اش، خیلی چیزهای نابی است.

وظایف نامزدها و طرفداران آنها

تاکید بر گفتمان انقلاب اسلامی

حالا چنین گفتمانی اگر هست، من از سرورانی که می آیند در این صحنه، چه کاندیدهای محترم و چه آنهایی که طرفدار هستند، اولین کاری که بنده معتقد هستم باید بکنید، تاکید بر این گفتمان است، از این گفتمان حذر نکنید، اصلا بهترین موقع بسط آن است، و اصلا حتی به شما بگویم فرض می گذاریم - البته که این فرض را جدی نمی دانم - فرض می گذاریم کسی که طرفدار گفتمان انقلاب اسلامی است به اصطلاح به آن درصد لازمی که ما می خواهیم نمی رسد و ایشان هم رای نمی آورد، فرض می گذاریم دیگر بیشتر از این که نیست، حتی فرض بگذارید، اینکه نفس این گفتمان را در انتخابات گفتید کار خود را کردید! نفس اینکه این گفتمان را گفتید، تاکید کردم. لذا الان الحمد لله چند نفر هستند که گفتمان انقلاب اسلامی را در بین این کاندیدها می توانند به عنوان یک نفر نمایندگی بکنند، من می دانم می توانند بکنند فی الجمله. حال که این است، تقاضایی که از همه شان دارم این است که این صدا بلند بشود از همه، از همه شان، یعنی عدالت محوری، ظلم ستیزی، استکبار ستیزی، استقلال، مردمی بودن، خادم مردم بودن؛ این اندیشه ها، این ها را بیاورید که من معتقد هستم الان شرایطی که می گویند اگر بتوانیم واقعا این گفتمان را بگویید و مردم احساس بکنند که واقعی است امید در دل شان ایجاد می شود و من تقاضا دارم از همه شان کاری بکنید که به اینجا بکشد یعنی واقعی برخورد کنید که الحمد لله بعضی از این کاندیدها اصلا در واقعیت زندگی شان اینها [وجود دارد] و این می تواند کمک مان بکند. تقاضای من لذا این است که همه آنهایی که در گفتمان انقلاب اسلامی می توانند قرار بگیرند از این کاندیدها، اصل این گفتمان را تاکید بکنند، منظور من این نیست که به عینیت ها نپردازند، منظور من این نیست که به مشکلات نپردازند، منظور من این است که اصل این گفتمان را، وقتی هم می خواهند به مشکلات بپردازند این گفتمان به چشم بیاید. این مبنا این نکته اصلی به چشم بیاید اینها پایه های کار ما است و اتفاقا زیبایی ها و جذابیت های حقیقت به اینها است، جذابیت حقیقت به این نیست که مثلا با یک برخورد غیر اخلاقی کسی را جذب بکند، بلکه با خود حقیقت جذب می کند، حقیقت جذاب است. نفس اینکه آمریکا قلدری می کند و ما هم نمی پذیریم خود این ارزشمند است، نفس اینکه مردم را به اصطلاح ولی نعمت خودمان می دانیم و مردمی زندگی بکنیم، اشرافی زندگی نکنیم این خود ارزش است و مردم لذت می برند، نه یعنی یک نفر اشرافی باشد که اصلا ارتباطی با

مردم نداشته باشد. هیچ وقتی هم با مردم هم حتی آن موقعی هم که هست با حالت اشرافیت خود برخورد بکنند، این که به درد نمی خورد، اینکه اصلاً تائی می آورد برای مردم، و این حس بغض می آورد، حس انتقام می آورد، اینکه به درد نمی خورد. آنی که می گوئیم این است که جذابیت در خود حقیقت است و لذا من می گویم گفتمان انقلاب اسلامی را تاکید بکنند همه. یعنی نشود حتی طرفداران کاندیداها بگویند آقا ما باید به مورد اصلی اش پردازیم و اینها را می گذاریم کنار، اینجوری نکنید، اولاً بگوئید چون این آقای الف، این اندیشه را قبول دارد، همراه او هستیم. اندیشه را بیاورید و این شخص را قبول بکنید، اندیشه را هم در آن بگوئید یعنی به تعبیری، موقع انتخابات بهترین موقع گفتن گفتمان انقلاب اسلامی و ابراز کردن آن است. این اولین مسئله بود.

معطوف کردن گفتمان انقلاب به مشکلات امروزی

یکی هم این گفتمان انقلاب اسلامی را معطوف بکنید به مشکلات امروزی، این را بگوئید، اصلاً مطالبه گری مان را کم نکنیم، اصلاً این گفتمان انقلاب اسلامی ما را مطالبه گر می کند، ما می بینیم ما مسئله مردمی بودن را می خواستیم و طرف اشرافی است، خوب باید بگوئیم اشرافی چرا؟ چرا باید این وضع اشرافی باشد؟ هر کسی باشد، چرا باید نمی دانم عدالت را زیر پا بگذاریم چرا مسئله نجومی ها مطرح بشود چرا؟ خوب توضیح بدهیم. یعنی ما با همان پایگاه گفتمان انقلاب اسلامی بیاییم مطالبه گری بکنیم. مطالبه گری ها را هم تیز بکنیم، تیز نه یعنی غیر واقعی آن بکنیم یعنی واقعا مشکل جدی ما است، الان معیشت مردم مشکل جدی است، خوب شما هیچ کار که نمی کنید و بعد می گوئید، خوب بعد به این و آن هم بیندازید و بعد بگوئید این باعث شد و آن باعث شد، بالاخره شما که هستید چه کاری کردید خودت؟ هیچ چیز. بعد به او بگوئی می گوید معیشت را من باید در جای دیگر گره بزنم، خوب آن هم می بینیم که به جواب نمی رسد، باز هم می گوئی باز ادامه می دهیم، خوب این خودش یک اشکال است دیگر، لذا من معتقد هستم تمام نقد های جدی که بر مسائل امروز داریم را هم بگوئیم، با همان گفتمان مان بگوئیم، نه فقط به عنوان اینکه خوب چون این اشکال هست من می توانم بهره بگیرم در انتخابات، نه، چون گفتمان انقلاب اسلامی استکبار ستیز است من این ذلتی که پیش آمده است را نمی پذیرم؛ چون گفتمان انقلاب اسلامی عدالت محور است این بی عدالتی هایی که در نجومی ها پدید آمده است نمی پذیرم، بگوئید، بایستیم و نشان بدهیم. فساد گاهی می بینید خیلی دارد خودش را به مراحل بالا می کشاند. خوب باید گفته بشود، باید ایستاد، نه اینکه یعنی بگوئیم، نه، نباید گفته بشود، باید گفته بشود در حدی که مجاز هستند کاندیداها در جای خودش بگویند و بایستند و واقعا بایستند. عرض من این است که من هم معتقد هستم که فقط گفتمان انقلاب بشود پایه

برای توضیح نقدها و نقدها واقعا از دل گفتمان در بیاید و نشان بدهیم و اگر این است لازمه اش چه است؟ پس ما همه کاندیداهای تحت این گفتمان را می پذیریم ولی بعدها باید تصمیم بگیریم که اصلح چه کسی است و بعدا هم شاید تقاضا بکنیم که آقا روی یکی مانور بدهید یا روی دو تا مانور بدهید و بقیه را رها بکنید، اشکالی ندارد، آن مربوط به بعد است.

ولی الان اصلا این گونه نشود که انقلابیون ما - که من به عنوان مسئله بعدی که می خواهم به آن نگاه بکنم - به خاطر اینکه بخواهند حالا این مسئله را درست بکنند بیایند روی یک شخص و بعد بقیه را که گفتمان انقلاب اسلامی دارد بزنند، اصلا این غلط است! آنها را مورد شماتت قرار بدهند این غلط است. و حتی الان هم حتی نخواهیم که کسی برود کنار، بگذارید همه بیایند بگویند، ولی در نهایت بله، ما توقع داریم تبدیل بشود به یک محدوده ای که مردم تحیر پیدا نکنند، بگوییم این فرد استقبال عمومی روی آن بیشتر است و مردم تحیر پیدا نکنند. اتفاقا این گفتمان انقلاب اسلامی برای ما اولاً مهم تر از اینها است ولی این باعث بشود خود آن معنا دار بشود پس این را هم عرض می کنم.

و یک چیز دیگر هم که من معتقد هستم باید روی آن کار بکنیم همین گفتمان انقلاب اسلامی را اگر بگویید ما دنبال این هستیم مردم را به فضا بکشانیم، این «لیقوم الناس بالقسط» که در قرآن کریم آمده است، مردم باید به این جا کشیده بشوند و این را باید فکر عالمانه بکنیم، هنرمندانه بلد هستید انجام بدهید، عالمانه و عقلانی بلد هستید انجام بدهید، نکته سنج هستید و تیز هوش هستید که روی یک نکته انگشت می گذارید و می توانید به این نتیجه برسانید مردم بفهمند خیلی خوب است، این کارها را بکنید. پس این هم یک نکته بود.

جدی کردن ارائه برنامه ها توسط کاندیداها مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی

پس یکی از نکات، نقد جدی وضعیت امروز بر پایگاه گفتمان انقلاب. یکی هم مسئله اینکه ما باید روی این گفتمان انقلاب، با برنامه مان هم همراه باشد، برنامه ها را جدی تر بکنیم یعنی مثلا این کاندیداها که هستند بگویند برنامه های ما چه است، و برنامه ها را واقعی و جدی کنید و عزم خود هم در آن نشان بدهید، نوع وعده های خود را جدی بکنید من معتقد هستم اگر این بشود مردم امید پیدا می کنند، می آیند و در انتخابات شرکت می کنند، یک بخشی از ناامیدی هایی که پدید آمده است [مربوط به همین غیر واقعی بودن برنامه هاست] هر وقت مردم دیدند امیدی نیست، چندان در انتخابات شرکت نمی کنند ولی هر وقت احساس بکنند که امیدی هست این آقا بیاید می تواند مشکل ما را حل بکند، مشکل معیشت را حل بکند

مشکل فلان، بفهمند و باور بکنند از نوع برنامه، از نوع به اصطلاح قوتی که در کار خود نشان می دهد و واقعیتی که در کار او هست، نه یعنی از راه فریب و اینها، ببینند و مردم باور بکنند، اگر این را ببینند همراهی می کنند و در مشارکت هم اثر دارد، و ما هم اتفاقا باید بعدا به این سمت برویم و این غلط است که در انتخابات ما برنامه ها اصلا جدی نیست، ولی من می توانم بگویم، می توانید بگویید برنامه تفصیلی نه، اما برنامه اجمالی که باید مشخص باشد، روح کار شما که باید مشخص باشد، مرکز ثقل حرکت تان که باید مشخص باشد، پایگاه تان که باید مشخص باشد اینها را که باید روی آن کار جدی بکنند و لذا این را هم تقاضا دارم در برنامه های خود بیاورند. این ارائه برنامه و این ارائه برنامه را ما منتظر نباشیم فقط در حد اینکه در مناظره ها آن آقا گفته است تمام آن کرده است. این را باید نیروهای انقلابی بسط بدهند، تقاضا می کنم روی این کار بکنید، که این امید وقتی بخواهد به مردم برگردد بخشی از اینها شاید در مناظره مردم ببینند ولی بخشی از آن را ببینند و ما باید به نحوی به مردم برسانیم.

مراقبت از ایجاد نشدن اصطکاک در گفتمان انقلاب اسلامی

یک مسئله دیگری که باز تاکید می کنم، اصطکاک گفتمان انقلاب اسلامی نشود، تاکید می کنم، همان بحث قبلی است ولی تاکید می کنم اصطکاک ایجاد نکنیم. یعنی تبدیل نشود به دعوا، اگر این کار را کردیم بدانید مردم از آن چیز دیگر می فهمند، و ضرر را گفتمان انقلاب اسلامی می بیند، اصطکاک ایجاد نکنید، فقط آهسته آهسته و هیچ گونه تندروی هایی که گاه می گوییم آقا چرا آن آقا چرا این آقا، چرا اینجوری، اینها را بگذاریم کنار، اصلش را نگه داریم و اصطکاک ایجاد نکنیم، این را روند کاری خودمان بکنیم و هر کسی که دارد اصطکاک می کند به او توصیه کنیم آقا این کار را نکن.

یک نکته هم که قبلا یک اشاره ای کردم ما باید فکری بکنیم به لحاظ حضور پرشور مومنانه در صحنه اجتماعی، فکری به حال آن بکنیم این روزها. ما تجربه مساجد را داریم، تجربه فضاهای باز را داریم، جمع کردیم. چرا الان نمی کنیم؟ مگر روز عاشورا آن بزرگواری که آمده است این همه جمعیت را برده است در شبیه استادیوم برده است فضای بسیار بزرگ این همه جمعیت آمدند، و فاصله های اجتماعی را رعایت کردند، مگر نمی شود؟ همین الان هم فکری بکنید، ننشینیم بگوییم خب حالا که اینجوری است و ما که هیچ و بعد هیچ کس به ما اجازه نمی دهد، اجازه که واضح است قوانین که واضح است. می شود کار کرد. قوانین مشخص است و بیاییم فکری بکنیم. و این را بیاوریم به صورت، مثلا الان همین الان در قم باید فکری باشد، فکری بکنیم برای یک جایی که بشود یک همچنین شرایطی فراهم کرد. چرا که اصلا خود این شور انقلابی، شور انتخاباتی می آورد و به نظر من باید روی این کار جدی بکنیم.

مواظبت بر فضای مجازی و بهره‌گیری از ظرفیتها و راه‌های میان‌بر در آن

باز یک چیزی که هست مواظبت بر فضای مجازی خیلی بکنیم، فضای مجازی عرض می‌کنم محدودیت‌هایی را برای ما به هر دلیلی ایجاد کردند حالا بگویید نمی‌دانم آن فضای مجازی ملی را ما پدید نیاوردیم و چه و...، هر چه بگویی حالا به هر دلیلی، ما باید فکری به حال آن بکنیم. و از همین گوشه گوشه‌های کار مجازی راه‌های میان‌بری که وجود دارد، راه‌های دور زدنی که وجود دارد، که اینها نیابند ما را محدود بکنند، ما واقعیت حرف خودمان را برسانیم از آنها استفاده بکنیم و از این سبکی که آنها می‌آیند تکثیر می‌کنند، ما به حقیقت تکثیر بکنیم و نه به دروغ، بعضی‌ها به دروغ تکثیر می‌کنند بگذارید ما به حقیقت تکثیر بکنیم و بکشانیم همه را به این که شکلی عمل بکنند. حداقلش در استوری می‌شود با یک تعبیری آورد و یک کاری کرد، همه چیز را در آن گذاشت، آنچه که هست، حداقلش این است، ولی من می‌توانم بگویم که خیلی چیزها می‌شود کارهای جدی کرد فضای مجازی را هم فکری بکنیم و تیز باشیم.

و بلکه یک چیز دیگر که در پایان بگویم، بعضی‌ها من احساس می‌کنم که می‌گویند خب حالا که [نتیجه] مشخص است [پس ما کاری لازم نیست بکنیم]، بنده معتقد هستم حتی یک هزارم احتمال باشد که کسی از طرف گفتمان غیر انقلاب اسلامی بیاید بالا، حتی یک هزارم هم هست، ما باید هزار هزار حساب بکنیم و عمل بکنیم. یعنی چه؟ چون محتمل خیلی مهم است، و واقعا هم ما ضربه‌هایی که خوردیم این است که نظام حاکمیتی اجرایی با ما نبود، و ضربه خوردیم و گاه می‌بینید ما با مشکل روبه‌رو هستیم، گرچه ما الحمد لله یاد گرفتیم که این خیلی برای من خوش آیند است که حتی نظام اجرایی با ما همراه نبوده است ما کار خودمان را می‌کنیم، و اندیشه‌های انقلاب را پیش می‌بریم و بردیم و شد، سیل پیش آمد کار را کردیم اصلا نگاه نکردیم که مثلا فضای اجرایی با ما همراه است یا نه، صحنه‌هایی پیش آمد حاکمیت اجرایی را من عرض می‌کنم، حاکمیت اجرایی همراه نبود ولی ما کار خودمان را کردیم و می‌شود کرد یعنی آن چانه زنی واقعی گفتمان انقلاب با کسانی که با انقلاب همراه نیستند، ما دیگر وقت آن گذشته است از این کار، که خود من معتقد هستم اگر ما همین گفتمان را نگه بداریم در انتخابات حتی رای هم نیاوریم بعدا ما همین گفتمان را ادامه بدهیم برنده هستیم، برنده ایم و واقعا هم برنده ایم! چون گفتمان انقلابی جذابیت‌های خاص خود را دارد و قوت عقلانی خاص خود را دارد، طرفداران فراوانی را خودش همراه خودش می‌آورد و نه دیگری، هیچ کس نمی‌خواهد. و بلکه بعضی از موقع‌ها می‌توانیم اینجوری بگویی یک نفر صد نفر است، واقعیتی است من این را عرض می‌کنم، یک نفر صد نفر است و می‌توانیم کار بکنیم، فقط عرض من این است که چرا ما حتی می‌توانیم بهتر عمل بکنیم حاکمیت اجرایی را خوب در فضای گفتمان

انقلاب اسلامی بیاوریم، خیال ما جمع باشد، یک مجموعه ای پدید بیاید که آهسته آهسته احساس بکنیم مردم را همین مجموعه می توانند به هدایت گری های ناب انقلابی بکشاند، فضای انقلاب را بهتر تقویت بکنند، ما حتی یک مسئول در یک جا را نباید از دست بدهیم بنده این اعتقاد را دارم یعنی اصلا حتی یک مسئول هم از دست بدهیم برای ما ضایعه است، یک مسئول کوچک در یک شهر حتی، ضایعه است برای ما چه رسد به مسئله ریاست جمهوری با آن همه قدرت هایی که برای آن تصویر شده است در قانون و امکان های که قانون برای آن تصویر کرده است لذا عرض من این است که کوتاه نیاییم. عرض بنده این است که اصلا یک هزارم را هزارم بگیریم و بایستیم، اصلا بگوییم آقا می دانیم حتی آنها قوی تر هستند ولی ما می ایستیم کار خودمان را می کنیم و برنده می شویم اینجوری من تعبیر می کنم، یعنی اینجوری ما باید کار بکنیم. یک کمی که خب اینها که اینجوری معلوم نیست، نه، حتی در مناظره ها کم نیاورد، حتی لحظه آخر را ما از دست نمی دهیم، یاد شما باشد ما این شکلی باید عمل بکنیم.

چاره اندیشی برای گفتگوی با مردم

گفت و گوی با مردم را فکری به حال آن بکنید یعنی این را برای این می گویم که گفت و گوی با مردم را، چه به شکل حضوری تک نفره، روبه روی با هم می شوند و بحث می کنند، چه آن و چه هر چیز دیگر، هر نحوی که می شود باید با مردم یک تماسی گرفت و وضعیت موجود را هم باید گفت، و بگوییم مشکل کجا است و واقعا هم این کاندیداها را ما می دانیم که می توانند در این زمینه کمک بکنند. زندگی او هم نشان می دهد که او مثلا فساد ستیز است، عدالت محور است، زندگی او واقعا نشان می دهد که مردمی است، زندگی او نشان می دهد. از آنها هم ترویج کنیم کل گفتمان را و بعد بگوییم البته اصلحی هم شاید پیدا بشود وقت آن هم شده است که طبیعتا آن روز های آخر می شود فکری باید کرد آنجا هم من تقاضا دارم از همه سرورانی که به عنوان طرفدار این کاندیداها هستند خویشتنداری خود را، ایثار خود را نگه بدارند، واقعا اگر یکی دیدند از نظر اقبال عمومی بیشتر است به سمت او بروند.

و السلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته.